

معرفی، نقد و بررسی کتاب مکین الاساس فی احوال مولانا ابی الفضل العباس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۳

علی اکبر عباسی^۱

چکیده

کتاب مکین الاساس فی احوال مولانا ابی الفضل العباس در زمره آثار آیت الله محمدباقر بیرجندی است. موضوع این کتاب همان طور که از عنوانش پیداست راجع به زندگی و اقدامات حضرت ابالفضل است. مؤلف مطالب مربوط به زندگی قمر بنی هاشم را در شش مجلس به رشته تحریر درآورده است. در این مقاله تلاش شده است تا به روش توصیفی - تحلیلی مباحث این کتاب مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این مقاله، کتاب مکین الاساس کتابی است که درباره زندگی حضرت عباس (قمر بنی هاشم) و برخی حوادث مهم صدر اسلام، مطالب و تحلیل‌های در خور توجهی دارد. نویسنده برخی از اخبار مربوط به حضرت ابالفضل را با دیدی انتقادی مورد کنکاش قرار داده است. با وجود این، در مواردی که کم هم نیست، مؤلف اخباری از کتب متأخر و مربوط به عهد قاجار را نیز نقل می‌کند، در حالی که تعدادی از گزارش‌هایش در این باره با آنچه در منابع متقدم آمده، در تضاد است و با شواهد و قرائن تاریخی هم سازگاری ندارد. پراکندگی بعضی موضوعات مطرح شده در کتاب و عدم انسجام مطالب آن، از دیگر ایرادات این کتاب محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: ابالفضل، کربلا، امام حسین (ع)، عاشورا، مکین الاساس، محمدباقر بیرجندی

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

مقدمه

واقعه قتل عام خاندان پیغمبر (ص) در کربلا به سال ۶۱ قمری حادثه‌ای بود که سراسر جهان اسلام را متأثر ساخت. خلیفه‌ای که خود را جانشین رسول خدا (ص) می‌دانست، خاندان آن حضرت را به طرز فجیعی قتل عام نمود. هنوز پنجاه سال از وفات پیامبر نمی‌گذشت که این فاجعه رخ داد. از همان ابتدا اذهان عموم مسلمانان نسبت به این رخداد حساس بود و روایات و گزارش‌های آنان ابتدا به صورت شفاهی حفظ می‌شد. این اخبار و روایات کمی بعد در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به شکل مکتوب درآمد. معمولاً عنوان کتاب‌هایی که به "واقعه طف" و "قتل عام خاندان رسول اکرم (ص) می‌پردازند، "مقتل‌الحسین" نام داشت. کتب مقاتل عمدتاً به شرح حال، مقدمات و چگونگی شهادت امام حسین (ع) و یارانش پرداخته‌اند و درباره حضرت ابوالفضل به صورت مستقل کتابی در این حد و اندازه و با پرداختن به همه زوایای زندگی ابوالفضل تألیف نشده است و برخی کتاب‌ها در این زمینه هم بسیار جدید و تا حدی متأثر از مکین‌الاساس هستند. در کتاب‌هایی که با نام مقاتل تدوین شده‌اند، بخش مربوط به مقتل عباس بن علی (ع) بسیار مختصر است. از جمله مقاتل متقدم از این نوع می‌توان به مقاتل الطالبیین ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی در قرن چهارم هجری اشاره کرد که تنها یک صفحه و نیم از کتابش را به ابوالفضل اختصاص داده است. کتاب‌های مقتل عهد قاجار بسیار زیادند^۱ ولی کمتر به این تفصیل به زندگی و شهادت حضرت ابوالفضل پرداخته‌اند. از جمله کتاب‌هایی که در دوره مذکور نوشته شده و به طور مستقل به حضرت ابوالفضل پرداخته، کتاب "مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس" است. در این مقاله سعی شده است ضمن معرفی کتاب و مؤلف، به ارزیابی بخش‌های مختلف آن پرداخته شود.

۱. واقعه قتل عام امام حسین (ع) و خاندان رسول‌الله (ص) در محرم ۶۱ هجری قمری در تاریخ به واقعه طف معروف و مشهور شده است و حتی در این مورد اشعاری هم سروده شده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۹۹؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۹۴).

۲. نام بسیاری از این مقاتل توسط استاد رسول جعفریان در کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه گردآوری و ذکر شده‌اند.

معرفی مؤلف

ابوالحسن محمدباقر بن محمدحسن بن اسدالله در ربیع الاول ۱۲۷۶ قمری (همزمان با اوایل حکومت ناصرالدین شاه) در روستای گازار از توابع قاینات به دنیا آمد. در دایره‌المعارف‌ها و کتب شرح حال، کنیه ابوالحسن برای وی ذکر شده است (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). سال وفات وی در زندگینامه‌ی وی در دایره‌المعارف‌ها ۱۳۵۲ قمری، معادل ۱۳۱۲ شمسی ذکر شده است (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲۲، ۱۸۳؛ آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

وی از جانب پدر به علی‌محمد شریف علوی فاطمی معروف به اشرف‌الشرفاء (یکی از علمای آخر دوره صفوی) می‌رسید. از طرف مادر هم به یکی از علمای بزرگ آخر عهد صفوی به نام ملامحمدباقر بن مسعود علی شیرخندی می‌رسید. شیرخندی اهل روستای شیرخند از توابع بخش زهان و معاصر علامه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ق.) بوده است. فرزند مؤلف یعنی حاج شیخ محمدحسین آیتی از جد مادری‌اش ملامحمدباقر شیرخندی در کتاب بهارستان یاد کرده و می‌نویسد وی معاصر اواخر دوره صفوی و دوره نادرشاه افشار بوده است. آیتی در ادامه می‌نویسد شیرخندی کتابخانه‌ای داشته که با یورش افغان‌های ابدالی [که باعث سقوط صفویه شدند] این کتابخانه غارت و بخشی از آن نیز سوخته شده است (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۳) چند جلدی از کتاب‌های آن کتابخانه باقی مانده و در دوره‌های بعد مورد استفاده افرادی از ذریه‌ی شیرخندی بوده به طوری که مؤلف بهارستان می‌گوید: «... چند مجلدی در دست والد ماجدم که از جانب مادر از احفاد آن جناب است باقی است و جزو کتابخانه ایشان است...» (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۵۳؛ عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در مجموع مؤلف مکین‌الاساس در خانواده‌ای صاحب فضل به دنیا آمده و حتی از فرزندان و نوادگانش هم شخصیت‌های علمی مهمی برخاسته‌اند.

محمدباقر تحصیلات ابتدایی را نزد پدر و دو برادر بزرگترش خوانده و برای ادامه تحصیلات ابتدا به قاین و سپس به مشهد رفته است. تحصیل علوم دینی به صورت جدی

۱. با توجه به این که محمدباقر بیرجندی شاگرد آیه الله میرزای اول شیرازی بوده، شرح حالش در کتاب الذریعه آقا بزرگ در ذیل شرح زندگی شاگردان میرزای شیرازی آمده، ولی جداگانه شرح زندگی محمدباقر بیرجندی، در معرفی برخی آثارش در کتاب الذریعه جداگانه ذکر شده است.

توسط وی در مدرسه میرزاجعفر مشهد بوده است. تعلق خاطر وی به فقه و اصول چنان بوده که به همین دلیل، به عالمی اصولی معروف و مشهور شده است. وی در سال ۱۲۹۶ قمری برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفته و درس خارج اصول را نزد میرزا حبیب‌الله رشتی فراگرفته است. اساتید وی در رشته‌های مختلف در زندگی نامه او در کتاب فرزندش (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۵-۳۱۸) و هم در مقدمه مصحح کتاب مکین الاساس آمده است (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). مهمترین استاد وی آیه الله میرزای اول شیرازی بوده است که خود مؤلف بدان تصریح کرده است (همان: ۱۳).

آثار مؤلف

آثار مؤلف در رشته‌های قرائت، تجوید، فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، عقاید، تاریخ اسلام، انساب و تفسیر بوده که نشان از مطالعات بالا و اطلاعات نسبتاً وسیع وی را دارد. شروع تألیفات وی در دوران جوانی و در هنگام اقامت وی در نجف اشرف بوده است. مؤلف با توصیه استادش آیه الله میرزای اول شیرازی کار تألیف و نویسندگی را آغاز کرده و تا پایان عمر ۶۷ اثر را نگاشته است. در میان آثار وی، کتاب رجال قاین، دربردارنده‌ی اطلاعات درخور توجهی پیرامون آثار و احوال مفاخر خراسان جنوبی می‌باشد که مورد استفاده فرزندش در کتاب بهارستان بوده است. در میان آثار کلامی وی، کتابی با عنوان "لب الخطاب فی رد شبهات اهل الکتاب" موجود است که هدف از نگارش آن، رد شبهات اهل کتاب بوده است. وی هم‌چنین در انکار نظرات برخی مؤلفان غیرشیعی درباره حضرت مهدی (عج)، کتاب "الصمصام المهدوی فی رد خان ملاخان هروی" را نوشت. برخی از آثار او نیز شرح و یا حاشیه‌نویسی بر کتب علمای شاخص متقدم می‌باشد. پاره‌ای از آثار وی، مشتمل بر مضامین ادبی و دینی است. برای نمونه، وی مضامین حدیث کسا را به شعر سروده است. در کتاب *الذریعه* شیخ آقابزرگ تهرانی به آثار این عالم معظم اشاره شده است.

گرایش‌های سیاسی و مذهبی مؤلف

با توجه به نقش و جایگاه دولت صفوی در گسترش تشیع در ایران و حمایت از علماء و بزرگان اثنی عشری، تمایل به سلسله صفوی و دولتمردان آن از عبارات‌های مؤلف برای آن خاندان در سرتاسر کتاب مشهود است. وی برای سلاطین صفوی عبارت «رحمه الله علیهم و علیهم اجمعین» (همان: ۲۷۵) را به کار می‌برد. وی برای شاه سلیمان صفوی نیز واژه "اعلیحضرت" را به کار برده است (همان: ۱۸۳).

محمدباقر بیرجندی درباره دلیل نامگذاری یکی از برادران تنی ابوالفضل توسط امام علی (ع) به نام عثمان، می‌نویسد امام علی به احترام عثمان بن مظعون اسم یکی از فرزندان را عثمان گذاشت عین عبارت مؤلف چنین است: «عثمان اکبر به اسم عثمان بن مظعون که از کبار عباد صحابه بود...» (همان: ۵۰). مؤلف کتاب مکین الاساس برای توجیه این که چرا امام علی (ع) نام فرزندش را عثمان گذاشته، گمان خویش را مطرح کرده که بیش از آن که بر اساس منابع معتبر و بیان شواهد و قرائن درست باشد، نشان دهنده گرایش‌های مذهبی قوی امامی اوست و دیدگاه مرحوم محمدباقر بیرجندی در این باره درست به نظر نمی‌رسد و ممکن است دلیل این نامگذاری، در نظر گرفتن این اسم بدون توجه به شخصیت‌های دیگر و مطرحی که در بین مسلمانان بودند، صورت گرفته باشد. چنان که نام عمر هم بر یکی از پسران آن حضرت اطلاق شد و ابوبکر هم نام یکی از فرزندان امام حسن (ع) بود. مؤلف در جای‌جای کتاب، اصطلاحات و عبارات تندی را درباره خلفای اموی بویژه معاویه و یزید به کار می‌برد (همان: ۴۱، ۴۲، ۶۳، ۸۸، ۱۲۹، ۲۲۸، ۲۵۰).

مصحح کتاب

مصحح کتاب علیرضا اباذری پس از توضیحات مختصر درباره کتاب‌هایی که با نام مقتل الحسین نوشته شده، درباره روش تصحیح کتاب توضیحاتی را ارائه داده است. تقریباً تمام نسخ این کتاب در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود و ثبت

است.^۱ ظاهراً غیر از نسخ موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، در سایر کتابخانه‌ها و مراکز اسناد از این کتاب نسخه‌ای در دست نیست و مصحح محترم، به تعداد نسخ و شیوه تصحیح و خصوصیات نسخ اشاره‌ای نکرده است. در مقدمه مصحح آمده است که مکین‌الاساس در واقع کتاب مستقلی بوده و نسخه‌هایی دال بر مستقل بودن آن هم موجود می‌باشد. مؤلف به دلیل نوع مباحث کتاب و کاربرد مطالب آن برای منبر، آن را به کتاب کبریت الاحمر اضافه نموده و همین امر، یکی از دلایل گمنامی کتاب است. مصحح کتاب برای انجام این تصحیح زحمت زیادی کشیده و به منابع متعددی مراجعه نموده و تحشیه‌های مناسبی را در پاورقی‌ها مطرح کرده است. بعضی از این تحشیه‌ها اطلاعات بسیار سودمندی را در اختیار خواننده کتاب قرار می‌دهد. مثل بحث عالمانه وی با استناد به منابع و نظرات علماء و بزرگان درباره محل دفن حضرت زینب جالب است. در مواردی نیز مصحح اختلاف روایات درباره بحث مورد نظر مؤلف را در پاورقی توضیح داده است (همان: ۴۹). از آن جا که مصحح با علامت خاصی تحشیه‌ها و تعلیقات خودش را مشخص نکرده است، در مواردی مرز دقیق کلام مؤلف و مصحح مشخص نمی‌باشد. از طرفی، اشارات مصحح در مقدمه پیرامون مقتل‌های متقدم کافی نیست و نیازمند شرح و بسط بیشتری می‌باشد.

معرفی کتاب

کتاب مکین‌الاساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس در شش مجلس نوشته شده است. مؤلف عناوین کتاب را شاید با الگوگیری از کتاب "روضه الواعظین" فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ ق.) و کتب مشابه برگزیده است. بعد از مقدمه مصحح و شرح زندگی مؤلف توسط مصحح، متن مجلس اول آغاز می‌شود.

عنوان مجلس اول، شرح حال حضرت ابوالفضل است. در این فصل، مؤلف تأکید دارد که محبت نسبت به اهل بیت (ع) شامل حال ابی‌الفضل هم می‌شود و از تفاسیر سنی و شیعه ادله‌ای کلی و نه مصداقی را ذکر نموده است. در این زمینه، بویژه از تفسیر

۱. شماره ثبت نسخ خطی مکین‌الاساس در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، ۳۴۱۷۸/۱.

زمخشری^۱ و تفسیر فخر رازی^۲ یاد کرده و به نقل از فخر رازی در تفسیر آیه مودت می‌نویسد: «حصول مودت در حق اشراف مسلمین و اکابر ایشان اولی است، یعنی این عبادتی است که خداوند به آن امتحان فرموده مؤمنین را» (همان: ۲۴).

مجلس دوم به ذکر نسب و اشاره به خواهران و اولاد حضرت ابوالفضل اختصاص دارد. در این فصل، مؤلف از نسب مادر ابوالفضل و دلیل معروف شدن ایشان به ام‌البنین و این که آیا او نخستین همسر امیرالمؤمنین (ع) پس از رحلت حضرت زهرا (س) بوده یا نه، مباحثی را مطرح کرده است. در این زمینه، وی به شیوه‌ای انتقادی و مستند بحث می‌کند. «در بعضی کتب ... آورده‌اند که ام‌البنین اول زنی بود که بعد از وفات حضرت صدیقه، امیرالمؤمنین (ع) به عقد خود درآورد و آن را در تذکره الخواتین^۳ نیز حکایت کرده و آن بعید است با وصیت فاطمه، تزویج امامه بنت زینب ...» (همان: ۵۰). اواخر فصل هم درباره‌ی اولاد ابوالفضل و مقام و جایگاه آنان در بین یاران ائمه (ع) و شأن علمی آنان اشاراتی شده است. به عنوان نمونه، از علی بن حسین علوی عباسی یاد می‌کند که از اصحاب امام هادی و امام عسکری بوده است و شیخ صدوق روایاتی از زبان امامان دهم و یازدهم به نقل وی ذکر کرده است (همان: ۶۷).

در مجلس سوم کتاب، مباحثی پیرامون اسم، کنیه، القاب و مناقب حضرت ابوالفضل آمده است. وی در آغاز این فصل، ضمن تشریح دلایل انتخاب نام عباس برای آن حضرت می‌نویسد: «... نامیدن ابوالفضل را به عباس، برای شدت و شجاعت اوست» (همان: ۷۷). آنگاه در ادامه به نقل از منتهی الارب^۴ در باب این نامگذاری اظهار داشته که سبب آن صولت و شجاعت و عبوست او در قبال خصم بوده است (همانجا). در ادامه این

۱. جارالله زمخشری (متوفی ۵۳۸) مفسر خراسانی الاصل قرآن کریم و صاحب کتاب تفسیر کشاف که به اختصار از آن تحت عنوان تفسیر زمخشری یاد می‌شود.

۲. تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب از معروفترین تفاسیر قرآن که توسط فخر رازی (متوفی ۶۰۶) تألیف شده است.

۳. تذکره الخواتین تألیف محمد بن محمد رفیع ملقب به ملک الکتاب شیرازی مشتمل بر شرح احوال و آثار مشاهیر زنان مسلمان از صدر اسلام تا ابتدای سده چهارده می‌باشد.

۴. نام کامل این کتاب عبارتست از منتهی الارب فی لغه العرب. منتهی الارب جامع‌ترین فرهنگ لغت عربی به فارسی محسوب می‌شود و مؤلف آن عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری شیرازی است.

مبحث، نویسنده با استناد به *روضه الشهداء*^۱ و کتاب *منتخب طریحی*^۲، از شرکت حضرت ابوالفضل (ع) در میادین جنگ و مبارزه‌ی وی با شجاعان عرب سخن گفته است. وی در توصیف شجاعت حضرت ابوالفضل از بیانات صاحب *روضه الشهداء* کمک گرفته و عباس را مبارزی نامدار و شجاعی به غایت عالی مقدار خوانده که جرأت و قوت حیدر کرار را به ارث برده بود (همان: ۷۸). در این فصل، مؤلف با نگاهی انتقادی به دروغ‌هایی که برخی بی‌دینان درباره‌ی حضرت جعل نموده‌اند، اشاره کرده است. برای نمونه، وی این مطلب را که حضرت ابوالفضل در جنگ صفین اصحاب معاویه را به هوا بلند می‌کرد و تا وقتی که پایین می‌آمد، شمشیر بر کمر آنها می‌زد و آنها را به دو نیم می‌کرد را کذب دانسته است (همان: ۷۹). وی برای نشان دادن جعلی بودن خبر مذکور، به شواهد تاریخی و سن حضرت استناد جسته و تلاش می‌کند کذب خبر را بر خواننده آشکار نماید. در همین فصل، مؤلف به انتقاد از بعضی روایت‌های اکسیرالعبادات^۳ در مورد تعداد کشته شدگان دشمن به دست حضرت ابوالفضل (ع) پرداخته و پاره‌ای اشتباهات را یادآوری نموده است (همان: ۸۸).

عنوان مجلس چهارم "در ذکر اخبار فضل حضرت ابوالفضل" است. فضائل حضرت ابوالفضل و دلایل برتری ایشان و مناقب بالای آن جناب، در این فصل مفصل بیان شده است. کرامات آن حضرت و سزای کسی که به عباس بن علی ناسزا گوید و مطرح کردن برخی از کرامات قمر بنی هاشم و عذاب قاتلان ابوالفضل هم از مباحث دیگر این فصل است.

مجلس پنجم به "محل دفن حضرت ابوالفضل" اختصاص یافته است. در این فصل، به معنا و وجه تسمیه لغت غاضره پرداخته شده و حدود حرم مطهر امام حسین (ع) و به محل دفن سایر شهدای کربلا اشاره شده است. ثواب زیارت حضرت ابوالفضل و مقایسه

۱. کتاب *روضه الشهداء* اثر ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰) کتابی تأثیرگذار بر مقتل نگاری ایران از قرن دهم هجری به بعد محسوب می‌شود.

۲. *المنتخب فی جمع المراثی و الخطب مشهور به فخری و منتخب طریحی* تألیف فخرالدین طریحی که مطالب مربوط به اهل بیت را گردآورده و بخش عمده آن مربوط به امام حسین (ع) است.

۳. این کتاب تألیف فاضل دربندی در عهد قاجار بوده و با نام‌های *اکسیرالعبادات فی اسرار الشهداء* و هم چنین *اسرارالشهاده* از آن یاد می‌شود مؤلف هم در سرتاسر کتاب با همین نام‌ها از آن یاد کرده و روایاتش را نقد نموده است.

ثواب زیارت آن حضرت با بزرگانی مثل حضرت عبدالعظیم و سلمان فارسی و هم‌چنین ثواب زیارت اولیاء الهی و بیان دیدگاه وهابیت بر ضد آن و اقدام آنها در حمله به حرم امام حسین (ع)، در این بخش جای گرفته است. البته مباحثی از قبیل برخی کرامات امیرالمؤمنین (ع) و حکم زیارت و دعا در زیارتگاه‌های مشکوک و امامزادگان نامعتبر و بسیاری بحث‌های متفرقه دیگر هم در این فصل آمده است.

آخرین مجلس که آخرین فصل کتاب است، تحت عنوان "در فضائل کربلا" می‌باشد. این فصل، صفحات ۲۲۱ تا ۲۹۳ کتاب را در بر می‌گیرد و به نسبت مباحث متنوع و گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. در ابتدا بر اساس روایتی می‌نویسد که کربلا محل تولد حضرت عیسی (ع) است و در صفحات دیگر آمده است که آدم (ع) در کربلا بی‌دلیل زخمی شد و علتش را از پروردگار پرسید. مؤلف از فضیلت زمین کربلا و اهمیت خاک آن و فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع)، در صفحات زیادی از این فصل سخن گفته است. وجه تسمیه کربلا، غاضریه^۱ و کوفه، بخشی از این فصل را تشکیل می‌دهد. حتی پیش‌گویی‌هایی از امیرالمؤمنین (ع) درباره فتح بغداد توسط هلاکو، در این فصل مطرح شده است. درباره نینوا هم – البته به عربی – در این فصل، توضیحاتی ارائه داده که نزدیک کربلا بوده است. سرچشمه فرات و دجله، بحث آب فرات و بستن آب آن رود بر امام حسین (ع) و یارانش و حوادثی که در این رابطه رخ داده، از جمله مباحثی است که در این فصل مجال طرح پیدا کرده است.

تحلیل‌های تازه و خلاقیت‌های مؤلف

مؤلف موضوعاتی را مورد توجه قرار داده که سایر نویسندگان کمتر بدان توجه کرده‌اند و از این حیث، مزیتی بر بسیاری از کتبی که موضوع‌شان تکراری است، دارد. برخی تحلیل‌های مؤلف هم در نوع خودش جالب توجه و ابتکاری است و شمه خلاقیتی این مؤلف را نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، وی درباره سخنان بحیرای راهب به ابوطالب، در زمانی که پیامبر (ص) در کاروانی که با عمویش به سمت شام می‌رفتند، چنین نوشته

۱. غاضریه نام دیگر سرزمین کربلا است، اما در اصل روستایی در نواحی کوفه و نزدیک به کربلا و محل سکونت قبیله بنی‌اسد بود.

است: «... محمد را برگردان که دشمنان او این جا بسیارند از اهل کتاب و او آن حضرت را برگردانید و ابوبکر و بلال را با او همراه کرد و بطلان و وضع این حدیث ظاهر است ... چه آن حضرت، در آن وقت نه ساله بود و ابوبکر دو سال از آن حضرت کوچکتر بود و بلال را به اتفاق فریقین بعد از بعثت خرید و آزاد کرد (همان: ۷۲). اگر چه این تحلیل را چنان که خود مؤلف هم اشاره کرده، در کتاب عباقات الانوار^۱ هم اشاره شده، ولی کمتر در بین فضلا بحث آن مطرح بوده و برخی محققین بعدها در ضمن تحقیقات و تحلیل هایشان در رد واقعی بودن دیدار راهب با ابوطالب، از آن یاد کرده‌اند (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۸-۱۸۹) و تحلیل‌های مؤلف مکین‌الاساس مقدم بر بسیاری از آنان است.

بررسی انتقادی برخی اخبار، روایات و گزارش‌های تاریخی

انتقاد از مؤلفین و مصنفین قرون قبل بدون توجه به شهرت و محبوبیت آنان، از نکات ارزنده کتاب مکین‌الاساس می‌باشد. مؤلف از بسیاری از بزرگان، ضمن بزرگداشت و رعایت احترام آنها، آرایش‌شان را که مبتنی بر دلایل عقلی و شواهد نقلی نمی‌داند را به نقد کشیده است. این شیوه علمای اصولی است و به نظر می‌رسد مؤلف تحت تأثیر آیه الله میرزای اول شیرازی این انتقادهای علمی را مطرح می‌کند. در همین راستا، مؤلف نظر برخی مؤلفین مثل نویسنده کتاب "تذکره الخواتین" را که می‌نویسد ام‌البنین نخستین همسر امام علی (ع) پس از وفات حضرت زهرا (س) بود را رد کرده و می‌نویسد: «با وصیت حضرت زهرا نخستین زنی را که امیرالمؤمنین (ع) عقد کرد و با وی ازدواج نمود، امامه دختر زینب بود» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۵۰). زینب دختر رسول خدا (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۷۰۲) و به قولی نیز دختر خواهر حضرت خدیجه و بزرگ شده در خانه پیغمبر بود (مرتضی‌عاملی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). وی ابتدا با این که حامله شده بود، به واسطه رعب و وحشتی که قریش برایش به وجود آوردند، جنینش سقط شد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۸۵۴)، ولی بعداً از ابوالعاص صاحب دختری شد که وی را امامه نام نهاد (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۴۰۰). اکثر منابع به ازدواج امام علی (ع) با امامه بعد از رحلت

۱. عباقات الانوار با نام کامل عباقات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار یکی از مفصل‌ترین کتابهای عقیدتی شیعه نوشته میرحامد حسین عالم قرن ۱۳ و ۱۴ هجری است معنای نام این کتاب شکوفه‌های خوشبو است.

حضرت زهرا (س) تصریح کرده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۱۷۸۹؛ ابن اثیرالجزری، ۱۴۰۹: ج ۴، ۴۷۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ۱۵۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۴۰۰) و نظر محمدباقر بیرجندی در رد دیدگاه نویسنده تذکره الخواتین، کاملاً صحیح و منطقی به نظر می‌رسد.

در برخی از موارد، این انتقادهای از افرادی است که مؤلف به لحاظ علمی و اعتقادی احترام زیادی برایشان قائل است. به عنوان نمونه، وی دیدگاه شیخ مفید را درباره این که علی‌اکبر کشته شده در کربلا، فرزند امام حسین نبوده و شخص دیگری از قبیله ثقیف بوده و این که امام زین‌العابدین همان علی‌اکبر بوده‌اند را رد می‌کند. او برای توضیح بیشتر می‌نویسد: «امام علی (ع) هم در بین برادران‌شان، کوچک‌ترین بوده‌اند و امام سجاد هم می‌توانند بزرگ‌ترین برادر نباشند» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۵۱). مؤلف درباره این که شیخ مفید نام یکی از کشته شده‌های لشکر مصعب را جزو شهداء کربلا آورده و در مقتلش ذکر کرده، سخنان انتقادی را ذکر کرده است. برخی دیدگاه‌های افراطی مبنی بر این که حضرت امیرالمؤمنین (ع) هیچ‌گاه در غزوات کوچک‌ترین زخمی بر نداشتند را با استناد به اثر شیخ مفید، رد می‌کند و تعبیر او در تمجید از این عالم شیعی، با وجود انتقاد از برخی آراء وی، قابل توجه است. با توجه به این که مؤلف شاگرد آیه الله میرزای اول شیرازی و یک عالم اصولی تمام عیار بوده، معمولاً با استناد به منابع متقدم و بیشتر از آن با بررسی شواهد و قرائن از مقتل نویسان و دیگران انتقاد می‌کند و در بررسی روایات، اگر به لحاظ سندی، مشکلی می‌بیند، عیان می‌کند و در بررسی قرائن هم، نقد کتب گذشتگان و حتی بزرگان نیز مدنظر وی بوده است. در مواردی هم اختلاف نظر دو تن از نویسندگان را بررسی و با غور در گزارش‌شان یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد چنان که دو اشتباه شیخ مفید را از دیدگاه ابن ادریس^۱ پسندیده و نظر ابن ادریس را اولی دانسته است (همان: ۵۱-۵۲).

۱. ابن ادریس حلی از علمای شیعی قرن ششم هجری بود که در ترویج تفکر شیعی در جهان اسلام مؤثر بود و به خصوص در زمینه تفکر انتقادی معروف و مشهور است. ر.ک: عباسی، علی‌اکبر. تاریخ جامع دولت‌های شیعه، ص ۱۱۴

مؤلف به روایتی که در آن آمده است که حضرت علی (ع)، زینب و ابوالفضل را بر روی دو زانوی خود نشانده‌اند، با توجه به تفاوت سنی آن دو بزرگوار، رد کرده است و می‌نویسد: «تولد ابالفضل در سال بیست و پنجم بوده و از این راه اشکال وارد می‌آید» (همان: ۵۶). البته احتمال‌هایی که این خبر با توجیه‌هایی صحیح هم باشد را ذکر کرده است. مؤلف در سندیت برخی امام‌زاده‌ها تردید نموده، از جمله امام‌زاده واقع در آفریز قاین را زیدالنار نمی‌داند و به‌درستی تأکید می‌کند که منابع متقدم مثل عیون اخبارالرضا، وفات زید را در سامراء نوشته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۵۹). برخی اخبار مجعول درباره حادثه کربلا مثل مجرد بودن علی‌اکبر و دامادی قاسم را مطرح و با مطرح کردن تضاد آن با کتاب کافی کلینی و بحارالانوار علامه مجلسی، آن را رد کرده است. مؤلف برخی مطالب مقتل اکسیرالعبادات فی اسرارالشهادات^۱ را به سختی رد نموده است. مؤلف اکسیرالعباده می‌نویسد: «ابوالفضل از اشرار بیست و پنج هزار کشت، غیر از مجروحین» (دربندی، بی‌تا: ج ۳: ۴۰) و سایر شهداء از بنی هاشم، جمعاً بیست و پنج هزار نفر را کشتند. مؤلف مکین‌الاساس خبر اسب دوانیدن بر بدن مطهر امام حسین (ع) را هم درست نمی‌داند و آن را قبول نمی‌کند (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

معایب کتاب

در ارزیابی کتاب، معمولاً بخشی به ایرادها و اشکال‌های کتاب اختصاص داده می‌شود. این ایرادها - کلی، جزئی و یا حتی ذائقه‌ای می‌تواند باشد و ایرادهای یک اثر، دلیل بر کم‌ارزش بودن آن نیست. هر کتاب ارزشمندی هم می‌تواند در بوته نقد قرار گیرد و معایبی داشته باشد، البته ایرادهای ساختاری اگر در کتاب مورد نقد، وجود داشته باشد - می‌تواند ارزش کتاب را کم کند. کتاب مکین‌الاساس دارای برخی ایرادهای ساختاری و بیشتر از آن، ایرادهای شکلی دارد و در زیر به نمونه‌هایی از این ایرادها اشاره‌ای می‌شود.

۱. از این کتاب تحت عنوان اسرارالشهادت و اکسیرالعباده هم یاد می‌شود و مؤلف مکین‌الاساس هم در جای جای کتابش هر سه نام را برای این کتاب ذکر کرده است.

ذکر مباحث نامربوط با عنوان کتاب

یکی از نکات قابل توجه در کتاب مکین الاساس مطرح شدن مباحث نامرتبط با عنوان کتاب است. موضوع کتاب درباره زندگی و شهادت حضرت ابوالفضل العباس است، ولی مؤلف در جای جای کتاب به مناسبت و یا بی مناسبت به مباحثی می پردازد که ربطی به عباس بن علی ندارد، از جمله این نوع گزارش ها، می توان به مطالب زیر اشاره نمود:

شرح حال ابوالقاسم کوفی (همان: ۵۴)، ذکر سقط جنین حضرت زهرا (س) (همان: ۵۵)، زیان دانشمندان بدسیرت از دیدگاه امام حسن عسکری (ع) (همان: ۱۰۷-۱۰۸)، معرفت امام از دیدگاه امام صادق (ع) (همان: ۱۰۸) شباهت بین احکام اسلام و احکام یهود (همان: ۱۰۸-۱۰۹)، بحث از نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه (همان: ۱۰۹-۱۱۲)، درخت پابرجا (همان: ۱۱۳-۱۱۴)، حالات قلب (همان: ۱۱۷-۱۱۸)، بحث هایی درباره امام رضا (ع) (همان: ۱۷۳-۱۷۴)، بحث از زید بن علی و فرزندش یحیی (همان: ۱۸۷-۱۸۹)، سرگذشت عبدالله فرزند امام باقر (ع) و سرگذشت عبدالله محض (همان: ۱۹۲-۱۹۴) و آل بویه و ترویج مذهب تشیع (همان: ۲۷۵-۲۷۶).

استفاده از منابع نامعتبر متأخر به جای استفاده از منابع معتبر متقدم

در مواردی مؤلف درباره مقتل ابوالفضل از منابعی استفاده می کند که بسیار متأخر هستند و از زمان رخداد واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری بسیار فاصله دارند و مطالب شان هم با اطلاعات مأخوذ از منابع متقدم موثق، متفاوت است. از جمله این نوع منابع متأخر می توان از روضه الشهداء کاشفی یاد کرد که به وفور مورد استفاده مؤلف واقع شده است و یا به جای استفاده از روایات واقعی ابی مخنف، از روایات منسوب به ابی مخنف در بحارالانوار بهره برده که صحیح نیست. عجیب تر این که مؤلف با این که در مواردی از کتاب اکسیرالعباده انتقاد می کند، به وفور مطالبش درباره ابوالفضل را مورد استفاده قرار داده و در کتاب خویش آورده است و از این مؤلف تمجید و تعریف بسیاری کرده است (همان: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۵۲، ۲۸۱).

با این که مؤلف اکسیرالعباده (انوارالشهاده) معمولاً عنوان نمی کند مطالبش درباره

مقتل را از کجا گرفته و در عهد قاجار نوشته شده است، مؤلف مکین الاساس در مواردی روایاتی را از مأخذ معتبر متقدم نقل می‌کند و از منابع عهد قاجار نیز، گزارش‌هایی مخالف را نقل کرده و تفاوتی بین آنها قائل نیست و به ذکر اختلاف روایت بسنده کرده است (همان: ۱۸۹). در مجموع باید گفت این نوع پرداختن به مقتل و تفاوت نگذاشتن بین روایات متقدم و متأخر و ارزیابی نکردن آن صحیح آنها، درست نیست.

مؤلف کشته شدن عبدالله بن علی بن ابی‌طالب به دست یاران مختار در حرورا را نتیجه نفرین امام علی (ع) بر عبدالله می‌داند (همان: ۱۸۴-۱۸۵)، در حالی که بر اساس نقل منابع متقدم، عبیدالله بن علی، نه عبدالله، در مذار به دست یاران مختار کشته شد (دینوری، ۱۳۶۸ق: ۳۰۶). عمر بن علی بن ابی‌طالب در جنگ با مختار کشته شد و هم این که عمر بود که به شرکت نکردنش در همراهی با امام حسین (ع) افتخار می‌کرد که مردی اندیشناک بودم، اگر با حسین رفته بودم، کشته می‌شدم و مختار و هم او از جانب محمد بن حنفیه نامه‌ای نداشت، وی را نپذیرفت. مؤلف در شرح زندگی عمر بن علی آورده است که با امام سجاد (ع) بر سر صدقات مخاصمه کرد و البته خلیفه وقت، عبدالملک بن مروان، جانب علی بن حسین را گرفت (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۷۱). طبیعتاً عمر که در جنگ با مختار کشته شد، در زمان تسلط عبدالملک بن مروان بر کل جهان اسلام، زنده نبود.

در موارد زیادی مؤلف به جای استفاده از منابع متقدمی مثل *اخبار الطوال دینوری*، *تاریخ یعقوبی*، *طبقات ابن سعد*، *انساب الاشراف بلاذری*، *تاریخ طبری و الفتوح ابن اعثم کوفی* که مقتل امام حسین (ع) را ذکر کرده‌اند، به منابع متأخر روی آورده و اخباری را نقل می‌کند که با شواهد و قرائن همخوانی ندارد. به عنوان نمونه، در ذکر آب آوردن ابالفضل از رود فرات می‌نویسد: «... از شیر بیشه شجاعت ... از متفرق نمودن چهار هزار سوار و پیاده و مالک شدن شریعه ... به روایت روضه الشهداء، سه دفعه حمله آوردند و هر دفعه مثل شیر در گله روباه افتاده، ایشان را متفرق نموده و هشتاد نفر یا زیاده از آن اشرار را به دارابوار فرستاد تا مشک را پر از آب نمود (همان: ۸۱). در حالی که این خبر در هیچ کدام از منابع متقدم قرون اول تا سوم هجری نیست و تقریباً تمامی مطالب

مستند مقاتل که با شواهد هم، سازگار است از مقتل ابی مخنف^۱ (متوفی ۱۵۷ق.) در طبری (متوفی ۳۱۰ق.)، مقتل دینوری (متوفی ۲۸۳ق.) در اخبار الطوال، مقتل ابن سعد (متوفی ۲۳۰ق.) در طبقات، مقتل بلاذری (متوفی ۲۷۹ق.) در انساب الاشراف و مقتل ابن اعثم کوفی (متوفی ۳۱۴ق.) در الفتوح اخذ شده است و مطالب این پنج منبع درباره کربلا، نزدیک به زمان حادثه و منابع دست اول محسوب می شود.

در همین راستا، با استناد به *اکسیرالعباده* فاضل دربندی که از نویسندگان عهد قاجار است، گفتگویی بین حضرت ابوالفضل با زهیر بن قین را نقل کرده است که عجیب است. زهیر ماجرای خواستگاری امیرالمؤمنین (ع) را در اوج سختی های جنگ برای عباس تعریف می کند (همان: ۸۱-۸۲)، به طوری که نه شرایط جنگ به طور منطقی اجازه این بحث را می داده است و نه شرایط فکری و مذهبی زهیر قبل از سال ۶۱ هجری به گونه ای بوده که در این باره روایاتی را حفظ کند. زهیر عثمانی مذهب بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق.: ج ۳، ۱۶۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق.: ج ۵، ۴۱۷؛ ابن اثیر الجزری، ۱۴۰۹: ج ۴، ۴۲) و پس از دیدار با امام حسین (ع) در مسیر کربلا، متحول شد، در حالی که ابتدا از ایشان کراهت داشت (دینوری، ۱۳۶۸ق.: ۲۴۶). نهایتاً تحت تأثیر سخنان آن حضرت، از طرفداران سرسخت آن جناب شد و در کربلا به فیض شهادت نائل آمد.

قضاوت یک طرفه درباره برخی نویسندگان متقدم

مؤلف درباره ابن حنبل قضاوتی نادرست را ارائه داده است. در یک جا برای رد کردن نظر احمد بن حنبل و دیدگاهی که وی ارائه داده است، وی را از اعداء امیرالمؤمنین خوانده است: «احمد عداوت داشت به امیرالمؤمنین علیه السلام» (همان: ۲۲۶-۲۲۷) و در مورد دیگری می نویسد که احمد گفته است سنی ها، همواره بغض علی را در سینه دارند (همان: ۲۲۷)، در حالی که ابن حنبل درباره فضایل علی (ع) گفته است که درباره هیچ کدام از صحابه به اندازه علی در کتب حدیثی، فضیلت و منقبت وجود ندارد. احمد بن

۱. مقتل ابی مخنف از بین رفته و عمده مطالب آن از طریق تاریخ طبری باقی مانده است. مقتلی هم مجعول منسوب به ابی مخنف در عهد صفوی وجود داشته که مورد استفاده مرحوم مجلسی در تألیف بحارالانوار قرار گرفته و با مقتل مورد استفاده طبری متفاوت است.

حنبل در کتاب مسند، کتابی تحت عنوان فضائل علی دارد که مورد استفاده دانشمندان قرون پس از وی قرار گرفته است (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ج ۹: ۱۶۸-۱۶۹). وی درباره حضرت امیرالمومنین (ع) از زبان رسول الله می‌نویسد: «این سالار بزرگ مؤمنان و رهبر سپیدچهرگان است» (همان: مقدمه، ۷). هم‌چنین احمد بن حنبل در بیان فضایل علی (ع) می‌نویسد: «رسول الله، علی (ع) را یعسوب المومنین قرار داد» (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۲: ج ۱: ۱۸۷) و نظایر این‌گونه روایات در تمجید از حضرت علی (ع)، در کتاب مسندش فراوان است و نباید وی را از دشمنان حضرت امیرالمومنین (ع) بدانیم، هر چند در مواردی به برخی مناقب امام علی (ع) اذعان نکرده باشد و یا ایشان را خلیفه بلافصل بعد از رسول خدا (ص) نداند.

مذهب ابی‌مخنف صاحب کتاب مقتل الحسین

مؤلف، ابی‌مخنف لوط بن یحیی از دی صاحب کتاب مقتل الحسین را شیعه و از اصحاب امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌داند و در انتقاد از حر عاملی صاحب کتاب "اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات" می‌نویسد: «شیخ اجل اکمل حر عاملی ... از عامه شمرده و شاید به ملاحظه اعتماد عامه است بر او، مثل خاصه ...» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۸۷)، در حالی که جدّ ابی‌مخنف به نام مخنف بن سلیم با این‌که از یاران امام علی (ع) است، دست کم شیعه امامی نبود. او در جنگ صفین از نبرد با هم‌قبیله‌ای‌هایش که با معاویه بودند، اظهار کراهت شدیدی می‌کرد (منقری، ۱۴۰۴: ق ۲۶۲) و با امام حسین (ع) همراه نشد، ولی تمایلات شیعی او و هواخواهی او از اهل بیت (ع) سبب شد با توابعین قیام کند و در نبرد عین‌الورده کشته شد. ابی‌مخنف هم‌زمان با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نبود که از اصحاب آن دو امام بزرگوار باشد. او متوفی ۱۵۷ هجری بود و مدت‌ها بعد از شهادت امام حسین (ع) به دنیا آمده بود و تمایل شیعی وی از نوع تشیع عراقی است که به علویان و قیام‌های علوی، نگاه مثبت ویژه دارد (جعفریان، ۱۳۹۳: ۱۳۵) و طبیعتاً نمی‌تواند شیعی امامی باشد، هر چند تمایلات و هواخواهی از اهل بیت (ع) در وجود او و خاندانش بوده است.

اعتراف زید بن علی به امامت ائمه (ع)

با این که درباره اعتقاد زید بن علی به امامت ائمه معصومین (ع) در بین امامیه اختلاف نظر است و او قیام را بر اقدام فرهنگی بر ضد خلفا ترجیح می‌داد، مؤلف درباره اطاعت او از امام زمانش می‌نویسد: «اعتراف او به امامت ائمه طاهرین اظهر من الشمس و ابین من الامس است» (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۸۵)، در حالی که این زید بود که اول بار امامی‌ها را رافضی خواند (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۳، ۲۴۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۱۲۴) و اگر هم وی نیتی پاک داشت در واقع، طرفداران او بودند که انشعابی بزرگ را بعدها در شیعه پدید آوردند و یکی از تفاوت‌هایشان با امامیه قیام بالسیف بود که از عملکرد زید نشأت می‌گرفت و طبیعتاً نمی‌توان با چنین قاطعیتی درباره وی سخن گفت و اعتراف او را به امامت ائمه معصومین (ع) با چنین صراحتی ذکر کرد.

داوری‌های نادرست

مؤلف مکین الاساس، زبیر بن بکار را از اعداء امیرالمؤمنین (ع) می‌داند (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۶۰) و به همین دلیل، برخی جعلیات علیه اهل بیت (ع) را البته به نقل از شیخ مفید، به وی نسبت داده است (همان: ۶۰)، در حالی که زبیر بن بکار دارای گرایش‌های شیعی بوده است و یا لاقلاً از اعداء امیرالمؤمنین (ع) محسوب نمی‌شود. وی در کتاب *الموفقیات*، تمایل خود به اهل بیت (ع) را به وضوح نشان می‌دهد و برای امیرالمؤمنین عبارت علیه السلام را به کار می‌برد (زبیر بن بکار، ۱۳۸۶: ۲۳، ۳۲، ۶۰، ۱۰۹، ۱۵۴، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۸۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۵۰۸، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۵۸)، هر چند در یک مورد هم از عبارت "رضی الله عنه" (همان: ۱۶۹، ۳۰۱، ۵۸۰) و هم چنین "کرم الله وجهه" (همان: ۹۲) و در یک مورد نیز "رضوان الله علیه" (همان: ۲۰۳) استفاده می‌کند. در همه جای کتابش با احترام از ائمه شیعه (ع) یاد می‌کند و برای حضرت فاطمه، واژه علیها السلام (همان: ۳۳۱) و سلام الله علیها (همان: ۱۶۹) را ذکر کرده است. وی موضوع نص و وصایت حضرت امیرالمؤمنین (ع) را در اشعار و خطبه‌هایش نقل می‌کند که مورخان دیگر از آن غفلت کرده‌اند. اگر یک خبری را که مورد توجه

شیعه نیست، نقل کرده است، دلیل بر تعصب ضد علوی وی و ناصبی بودنش نمی‌شود. در یک مورد مؤلف اشعار منسوب به سکینه دختر امام حسین (ع) را که در کتاب *الآغانی* ابوالفرج اصفهانی آمده است، بدون دلیل رد کرده و نمی‌پذیرد. البته در این راستا، به عدم پذیرش آن اشعار از سوی مؤلف روضات هم اشاره دارد (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). مؤلف مطالبی را به‌درستی از تاریخ طبری نقل می‌کند، ولی در ارجاع به جلد آن اشاره‌ای نکرده است (همان: ۵۰). تاریخ طبری بعد از عصر مؤلف ترجمه شده و چه در چاپ‌های عربی و چه در تنها ترجمه فارسی، چندین جلد است. هم‌چنین ساخت اولین بنا روی آرامگاه امام حسین (ع) و امام علی (ع) در کربلا و نجف را در عهد عضدالدوله دیلمی و به‌دستور وی می‌داند، در حالی که قبل از این شخص و در زمان خلافت منتصر عباسی، محمد بن زید علوی فرمانروای طبرستان، اموالی از آن‌جا برای ایجاد عمارتی بر قبر امام حسین (ع) فرستاد و عمارتی ایجاد شد. آملی (۱۳۴۸: ۷۷) در این زمینه می‌نویسد: «... در عهد او الداعی محمد بن زید از طبرستان اموال فرستاد و عمارت فرمود به قدر...».

مؤلف با استناد به آثار علامه حلی، از پیش‌گویی‌های امیرالمؤمنین (ع) درباره فتح بغداد و برافتادن عباسیان یاد کرده است (بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۶۲) و نوشته است به همین دلیل علمای شیعه در نجف و حله از غارت مغول درامان ماندند، ولی واقعیت این است که دیدار علمای شیعه با هلاکو بعد از فتح بغداد بوده و آنان مطمئن بودند که از پس نیروی مغول برنمی‌آیند و به همین دلیل، اظهار اطاعت کردند نه این که آن‌گونه که مؤلف به نقل از پدر علامه حلی نقل کرده، امام علی (ع) مردم را از مخالفت با مغول برحذر داشته باشند (همان: ۲۶۲). در واقع، در عهد مغول و قبل از فتح بغداد، اخبار دیگری در بین مردم شایع بود که مغولان هرگز به بغداد نخواهند رسید و برداشت ابن ابی‌الحدید شارح معروف از سخنان امام علی (ع) این بود که مغولان به بغداد نخواهند رسید و خداوند شرشان را از بغداد حفظ خواهد کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ج ۸: ۲۴۰). البته رفتن علمای شیعه به نزد هلاکو و اظهار اطاعت‌شان نسبت به وی منطقی بود و با این کار خود، شهرهای شیعی‌نشین عراق را از قتل عام مغولان نجات دادند.

نامرتب بودن برخی مباحث متفرقه

بعضی مباحث مؤلف در کتاب به صورت پراکنده و نامرتب و بدون توجه به سیر زمانی وقایع و یا بدون تقسیم‌بندی درست موضوعی مطرح شده است. مثلاً صحبت درباره امام‌زاده‌های مشکوک در صفحات متعددی از کتاب و جدا از هم مطرح شده و مؤلف در آن باره توضیحاتی داده است. شاید این موضوع نشان دهنده تأکید مؤلف بر عدم توجه به مزارهای مشکوک باشد، ولی بهتر بود به صورت موضوعی مطالبش در این باره دسته‌بندی و در یک جا مطرح می‌شد. ایشان در صفحه ۶۴ درباره مزار "زیدالنار" در آفریز صحبت کرده و آن را رد نموده است. مؤلف در صفحه ۱۸۳ از حکم دعا در مزارهای مشکوک سخن رانده است و در صفحات پایانی بار دیگر به این بحث برگشته و به شدت از انتقاد عوام به مزارهای مشکوک و بی‌اساس انتقاد نموده است.

نتیجه

کتاب مکین الاساس اثر آیت‌الله محمدباقر بیرجندی در نوع خودش جالب و دارای نقاط قوت و ضعف بسیاری است و مهمترین مزایای کتاب، فوق‌العاده بودن کتاب به نسبت کتاب‌های مشابه است که درباره زندگی و مقتل ابالفضل نوشته شده است. از دیگر مزایای آن می‌توان به مستند بودن کتاب و هم‌چنین ارائه تحلیل‌های ناب و تازه و خلاقیت‌های وی که نشان از تدبر در برخی موضوعات مطرح شده در کتاب دارد، اشاره کرد. بررسی انتقادی برخی از منابع و در مواردی نقد صحیح و اصولی بعضی از گزارش‌های منابع هم از نکات مثبت مؤلف در این کتاب است. اما این کتاب معایبی هم دارد، از جمله این که مؤلف از کتاب‌هایی که اعتباری ندارند و یا اخبار جعلی فراوانی را در بر گرفته‌اند، مطالب زیادی را نقل کرده است. مؤلف از کتاب‌های مقتل متأخر دوره صفوی و بیشتر از کتاب‌های مقتل دوره قاجار که تقریباً نزدیک به زمان ما هستند، مطالب بی‌اساسی را نقل کرده که در منابع قرون اولیه اسلامی نیست و برساخته‌ی دست‌جاعلان است و فقط در موارد معدودی، اخبار جعلی را مورد بررسی انتقادی قرار داده است. از کتاب‌هایی مثل روضه الشهداء و اکسیرالعباده با وجود متأخر بودن و عدم

وثاقت‌شان، بارها بهره برده است. نظرات مؤلف درباره مذهب ابی‌مخنف لوط بن یحیی ازدی و دشمنی احمد بن حنبل با امام علی (ع) و هم‌چنین ارادت زید بن علی به ائمه معصومین (ع) و مواردی از این دست، صحیح به نظر نمی‌رسد، ضمن این‌که برخی مباحث مورد نظر مؤلف، به صورت پراکنده و در چند جای کتاب جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مباحث نامربوط به حضرت ابالفضل هم صفحات زیادی از کتاب را در بر گرفته است.

منابع

- آملی، اولیاءالله (۱۳۴۸). تاریخ رویان. مصحح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبه الله (۱۳۳۷). شرح نهج‌البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیرالجزری، عزالدین علی بن محمد (۱۴۰۹). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصار.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷). عیون اخبارالرضاء. تهران: جهان.
- ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵ق). الاصابه فی تمییز الصحابه. علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). العبر. تحقیق خلیل شهاده. بیروت: دارالفکر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. تحقیق علی محمد البجاوی. بیروت: دارالجمیل.
- ابن میثم بحرانی (۱۳۶۲). شرح نهج‌البلاغه. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.

- بیرجندی، محمدباقر (۱۳۹۰). مکین الاساس فی احوال مولانا ابی الفضل العباس. به کوشش علیرضا ابادری. قم: جمال.
- تهرانی آقابزرگ، محمدمحسن (۱۴۰۳). الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). منابع تاریخ اسلام. تهران: علم.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸ق.). اخبار الطوال. تحقیق عبدالمنعم عامر. مراجعه جمال الدین الشیال. قاهره: دارالاحیاء التراث العربی.
- زبیر بن بکار (۱۳۸۶). الموفقیات. ترجمه اصغر قائدان. تهران: بین الملل.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام (ص). تهران: سمت.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق.). تاریخ طبری. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۲). "نقد و ارزیابی کتاب بهارستان آیتی". فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، سال هفتم، ش ۳، پیاپی ۲۷ (بهار): ۸۷-۱۰۳.
- ----- (۱۳۹۶). تاریخ جامع دولت های شیعه. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- فاضل دربندی، ملاآقا بن عابد (بی تا). اسرار الشهاده. تهران: اعلمی.
- نیشابوری، فتال (۱۳۸۵). روضه الواعظین. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- مرتضی عاملی، جعفر (۱۳۸۸). سیرت جاودانه. ترجمه و تلخیص محمد سپهری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق.). وقعه صفین. به تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی.